



Claiming Compensation for Lost Opportunity in Light of the Islamic Legal Principle of “La Darar”: A Jurisprudential and Economic Assessment in Islamic Legal Systems

Ali Baghernazari¹, Abbas Moghaddari Amiri^{2*}, mahdi movahhedinia³

1. Private Law, Ara.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

2. Department of Private Law, Jo.c., Islamic Azad University, Jouybar, Iran.

3. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Edalet University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 75-90

Article history:

Received: 14 Jul 2025

Edition: 25 Oct 2025

Accepted: 06 Sep 2025

Published online: 22 Jun 2026

Keywords:

Loss of Opportunity, Imamiyyah Jurisprudence, Civil Liability, Probabilistic Damages, Loss of Profit, Causation, Economic Justice.

Corresponding Author:

Abbas Moghaddari Amiri

Address:

Iran, Jouybar, Islamic Azad University, Department of Private Law, Jo.c.

Orchid Code:

0000-0002-3682-2562

Tel:

09126598139

Email:

A.Moghaddari@iau.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aims: In Islamic legal systems, the concept of “loss of opportunity” as a form of non-pecuniary and potential damage does not hold a clearly defined position within the framework of civil liability. This study aims to analyze the jurisprudential and legal possibility of claiming such damages based on the Islamic legal maxim *Lā Darar* (no harm), while also considering the economic implications of recognizing such liability.

Materials and Methods: This article uses a descriptive analytical method and is a library research tool.

Ethical Considerations:

This article respects the originality of the texts, honesty, and trustworthiness.

Results: Analysis of jurisprudential texts indicates that the *Lā Darar* rule, by accepting a customary and economic interpretation of harm, allows for compensation of opportunity loss—provided that the damage is certain and a causal relationship between the defendant’s conduct and the lost opportunity can be established. Comparative findings also suggest that in many Islamic countries, such as Egypt, Iraq, and Saudi Arabia, legal or judicial approaches are gradually moving toward limited recognition of such compensation.

Conclusion: From both jurisprudential and economic perspectives, compensating for lost opportunities is justifiable in terms of promoting justice and enhancing economic efficiency. It is recommended that legislators revise existing laws to broaden the definition of “actual damage” and establish clear mechanisms for calculating probabilistic losses.

Cite this article as:

Baghernazari, A; Moghaddari Amiri, A; Movahhedinia, M. *Claiming Compensation for Lost Opportunity in Light of the Islamic Legal Principle of*



مطالعات فقه اقتصادی

Economic Jurisprudence Studies



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۵

مطالبه خسارت فرصت از دست رفته در پرتو نظریه فقهی لاضرر و آثار اقتصادی آن در نظام‌های حقوقی اسلامی

علی باقری نظری^۱، عباس مقدری امیری^{۲*}، مهدی موحدی نیا^۳

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد بین‌المللی ارس، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲. گروه حقوق خصوصی، واحد جویبار، دانشگاه آزاد اسلامی، جویبار، ایران.

۳. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در نظام‌های حقوقی اسلامی، مفهوم «فرصت از دست رفته» به‌عنوان شکلی از عدم‌النفع و زیان احتمالی در چارچوب مسئولیت مدنی، جایگاه روشنی ندارد. این پژوهش با هدف تحلیل فقهی و حقوقی قابلیت مطالبه چنین خسارتی در پرتو قاعده لاضرر و بررسی آثار اقتصادی آن انجام شده است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر از روش توصیفی تحلیلی بهره برده و ابزار انجام پژوهش کتابخانه‌ای است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: تحلیل متون فقهی نشان می‌دهد که قاعده لاضرر، با پذیرش مفهوم عرفی ضرر، امکان جبران زیان ناشی از تفویض فرصت را فراهم می‌سازد؛ مشروط بر آنکه ضرر مسلم و رابطه سببیت بین رفتار عامل و از دست رفتن فرصت قابل اثبات باشد. یافته‌های تطبیقی نیز حاکی از آن است که در بسیاری از کشورهای اسلامی، همچون مصر، عراق و عربستان، رویکردهای قانونی یا قضایی به سمت پذیرش محدود جبران این نوع خسارت گرایش یافته‌اند.

نتیجه: از منظر فقهی و اقتصادی، جبران خسارت فرصت از دست رفته در راستای تحقق عدالت و ارتقای کارایی اقتصادی قابل توجیه است. پیشنهاد می‌شود قانون‌گذاران با اصلاح قوانین، تعریف «ضرر مسلم» را توسعه داده و سازوکارهای محاسبه خسارت احتمالی را نیز تبیین نمایند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۵-۹۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۳

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

تفویض فرصت، فقه امامیه، مسئولیت مدنی، خسارت احتمالی، عدم‌النفع، تسبیب، عدالت اقتصادی.

نویسنده مسئول:

عباس مقدری امیری

آدرس پستی:

ایران، جویبار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جویبار، گروه حقوق خصوصی.

تلفن:

09126598139

کد ارکید:

0000-0002-3682-2562

پست الکترونیک:

© تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انجمن علمی حقوق بشر اسلامی ایران می‌باشد.

۱. مقدمه

یکی از مسائل نوظهور در مسئولیت مدنی، امکان مطالبه خسارت ناشی از «فرصت از دست رفته» است؛ مفهومی که بر زیانی مبتنی است که از بین رفتن احتمال دستیابی به منفعتی در آینده یا جلوگیری از ضرری محتمل را دربر دارد. در فقه اسلامی و حقوق ایران، در حالی که عدم‌النفع به‌صورت سنتی غیرقابل مطالبه تلقی شده، با گسترش مفاهیم عدالت جبرانی و تحلیل‌های نوین اقتصادی و حقوق تطبیقی، بازاندیشی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد.

سؤال اصلی پژوهش آن است که آیا از منظر فقه اسلامی، به‌ویژه با تکیه بر قاعده «لاضرر»، می‌توان مطالبه خسارت فرصت از دست رفته را مجاز دانست؟ همچنین، فرضیه پژوهش بر این مبنا استوار است که: قاعده لاضرر به‌عنوان اصلی فقهی، می‌تواند مبنای جبران فرصت‌های از دست رفته در صورت اثبات ضرر مسلم و رابطه سببیت باشد.

در حوزه پیشینه پژوهش، آثار متعددی به بررسی مسئولیت مدنی ناشی از عدم‌النفع پرداخته‌اند، اما پرداختن مستقل و نظام‌مند به مفهوم «فرصت از دست رفته» به‌ویژه در پرتو قاعده لاضرر و با تحلیل تطبیقی میان نظام‌های اسلامی، کمتر مورد توجه

قرار گرفته است. از جمله کارهای مرتبط می‌توان به آثار ابراهیمی (۱۳۹۸) و ذاکری (۱۳۹۸) اشاره کرد که هر دو بر فقدان تبیین نظری دقیق و مستند فقهی در این حوزه تأکید دارند. همچنین آثار دیگر شامل:

محمدی و حسینی، (۱۴۰۰)، «بررسی فقهی و حقوقی جبران خسارت فرصت از دست رفته با تأکید بر قاعده لاضرر»: در این مقاله به طور مستقیم به تحلیل مبانی فقهی و حقوقی فرصت از دست رفته و امکان مطالبه آن پرداخته و قاعده لاضرر را مبنای اصلی بحث قرار داده است.

کاتوزیان، (۱۳۹۷)، «خسارت عدم‌النفع و فرصت‌های از دست رفته در حقوق ایران و فقه اسلامی»: مقاله‌ای تحلیلی در خصوص جایگاه خسارت فرصت از دست رفته در فقه اسلامی و تطبیق آن با رویه‌های حقوقی ایران و نظام‌های مشابه.

امامی، (۱۴۰۳)، حقوق مدنی، جلد اول (الزامات خارج از قرارداد): در این کتاب بحث مسئولیت مدنی و خسارت‌های قابل جبران، به‌ویژه در بخش عدم‌النفع و فرصت‌های از دست رفته، به تفصیل مطرح شده است و به لحاظ تطبیقی نیز ارزشمند است.

اهداف پژوهش عبارت‌اند از:

۱. تحلیل مبانی فقهی جبران فرصت از دست رفته با تأکید بر قاعده لاضرر
۲. بررسی رویه‌های حقوقی و تطبیقی در نظام‌های اسلامی نسبت به این نوع خسارت
۳. تحلیل آثار اقتصادی پذیرش یا رد جبران این خسارت در فقه و حقوق اسلامی در نهایت، این پژوهش در پی آن است تا با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و مطالعه تطبیقی، مبنایی برای اصلاح نگاه حقوقی و فقهی نسبت به جبران فرصت از دست رفته ارائه دهد.

۲. مواد و روش‌ها

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی می‌باشد و ابزار انجام پژوهش کتابخانه‌ای است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه در فقه کلاسیک، فرصت از دست رفته به‌صراحت مورد اشاره قرار نگرفته است، اما با توجه به ماهیت عرفی مفهوم «ضرر» و پذیرش آن در قاعده لاضرر، امکان جبران این نوع خسارت قابل دفاع است. بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که در بسیاری از نظام‌های حقوقی اسلامی مانند مصر، عربستان و عراق، رویه‌ها و قوانین به‌تدریج در حال پذیرش محدود جبران منافع از دست رفته هستند، مشروط بر اینکه ضرر مسلم، رابطه سببیت، و احتمال معقول انتفاع قابل اثبات باشند. همچنین، تحلیل اقتصادی قاعده لاضرر تأکید دارد که جبران خسارت فرصت از دست رفته موجب افزایش کارایی اقتصادی،

بازدارندگی از رفتار زیان‌بار و اعتماد بیشتر به معاملات می‌شود.

۵. بحث

۱.۵. کلیات مفهومی و نظری

«فرصت» در فرهنگ فارسی دکتر محمد معین به معنی وقت مناسب برای انجام کاری، مجال، وقت و مساعدت روزگار ذکر شده است. (معین، ۱۳۵۳، ۲۵۱۹) در فرهنگ دهخدا، فرصت به معنای نوبت، موقع و مجال آمده است. (دهخدا، ۱۳۴۱، ۱۷۲) همچنین در فرهنگ نفیسی، مرحوم ناظم الاطباء، آنرا به معنای موقع، وقت، مجال، وقت مناسب و مساعدت روزگار عنوان نموده است. (نفیسی، ۱۳۴۳، ۲۵۴۳)

ابن منظور در لسان العرب، فرصت را به معنی مجال و نوبت بیان کرده است. (ابن منظور، ۱۴۰۵، ۶۴) در فرهنگ حقوقی بهمن بخت، تصادف، شانس و مجال (آقایی، ۱۳۷۸، ۲۲۳) و همچنین در فرهنگ معاصر هزاره آمریکای، چنین معنا شده است: بخت، امکان، احتمال، فرصت. (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۸۱، ۲۱۱)

در فرهنگ حقوقی «بلک» «از بین بردن شانس» به قانونی اشاره شده است که در برخی از ایالات تصویب شده و به بیمار اجازه می‌دهد از پزشکی که مرتکب سهل‌انگاری در معالجه وی شده و بدین لحاظ، فرصت بهبودی و یا زنده ماندن را از او سلب نموده شکایت کند. (گارنر، ۲۰۰۴، ۹۶۵)

البته ما در اینجا قصد بررسی دقیق و ادبی کلمه «فرصت» را نداریم، بلکه در پی بیان و توضیح مفهوم عرفی و متداول آن می‌باشیم. بنابراین با مدنظر قراردادن تعاریف مشابه فوق و آنچه که در لسان عموم متداول است می‌توان گفت: «فرصت» عبارت است از موقعیت یا شانس و بخت انجام و دستیابی به امری که منفعتی در پی دارد و یا

فراروی مسئولیت مدنی مطرح است. (ذاکری، ۱۳۹۸، ۵۶)

گاهی افراد در وضعیتی قرار دارند که می‌توانند در آینده از منفعتی بهره‌مند شوند یا با بهره‌گیری از شرایط موجود، از ورود زبانی به خود جلوگیری کنند. برای مثال، فردی ممکن است امکان شرکت در یک رقابت را داشته باشد که می‌تواند بختی برای کسب جایزه‌ای مشخص فراهم آورد. در وضعیتی دیگر، ممکن است شخصی که در معرض تهدیدی مانند بیماری قرار گرفته، هنوز فرصت اقدام برای درمان را داشته باشد و بتواند با تشخیص به‌موقع از بروز آسیب جدی‌تر پیشگیری کند. (کریمی و داودی، ۱۴۰۱، ۱۰۳)

هرگاه این فرصت‌ها به دلیل تقصیر دیگری از بین بروند، موضوع «تفویت فرصت» مطرح می‌شود. به عنوان نمونه، بیماری به پزشک مراجعه می‌کند و پزشک در اثر سهل‌انگاری، بیماری او را به‌موقع تشخیص نمی‌دهد و او را سالم معرفی می‌کند. در حالی که بعدها مشخص می‌شود بیمار در همان زمان ابتلا به بیماری داشته و در صورت تشخیص صحیح، شانس معالجه وجود داشته است. در چنین مواردی، آنچه به عنوان زیان مورد بحث قرار می‌گیرد، نه لزوماً نتیجه نهایی مانند فوت یا ناتوانی، بلکه همان فرصت از دست‌رفته برای درمان است. به عبارت دیگر، خسارت وارده عبارت است از محرومیت از بختی که برای اجتناب از ضرر یا کسب منفعت وجود داشته است (بهراری اردکانی، ۱۳۹۳، ۱۷).

بر این اساس، نباید «فرصت از دست‌رفته» را با مفاهیمی چون «عدم‌المنفع» که ناظر به منفعت قطعی و مسلم‌الوصول است، یا با «ضرر نهایی» که ممکن است در اثر از دست رفتن فرصت رخ دهد، اشتباه گرفت. ویژگی متمایزکننده‌ی فرصت از

خودداری و جلوگیری از وقوع امری مضر و خطرناک. آنچه مسلم است، در تحقق فرصت و شانس، به حسب مورد، درجاتی از «احتمال» وجود دارد و در تحقق آن عوامل خارجی مختلفی می‌تواند دخیل باشد و بنابراین به طور قطع نمی‌توان از پیش ادعا کرد که فرصتی جهت دستیابی به مقصود محقق می‌شود یا خیر؟

«فرصت از دست‌رفته» (عدم‌المنفع) به‌معنای ضرری است که در نتیجه سهل‌انگاری یا تقصیر دیگری به شخص وارد می‌شود، به‌نحوی که فرصت کسب منفعت یا اجتناب از ضرر در آینده از او سلب شود. به عبارت دیگر، اگر فردی به دلیل رفتار دیگری از یک سود احتمالی محروم گردد، زیان حاصل «عدم‌المنفع» نام دارد. (امیری، ۱۴۰۰، ۱۳۷)

جبران این زیان، با دو روش اصلی صورت می‌گیرد: روش هزینه (که برآورد هزینه‌های از دست‌رفته را ملاک قرار می‌دهد) و روش اماره (تخمین امری به‌وسیله دلایل و قرائن). این مفهوم در نظام‌های حقوقی مختلف جایگاهی متفاوت یافته است: در برخی نظام‌های حقوقی مدنی (مثلاً مصر و لبنان) اصل بر قابلیت مطالبه آن نهاده شده است، اما در برخی نظام‌های کامن‌لا (مانند آمریکا و انگلیس) جبران آن معمولاً محدود به موارد خاص است. در فقه سنتی نیز به‌صورت صریح «فرصت از دست‌رفته» مورد بحث قرار نگرفته، اما اصول کلی مثل قاعده لاضرر می‌تواند مبنا قرار گیرد. تحقیقات تطبیقی معاصر نشان می‌دهد که در بسیاری از نظام‌های حقوقی داخلی و خارجی، جبران خسارت باید طرف زیان‌دیده را در موقعیتی قرار دهد که گویی قرارداد یا فرصت تحقق یافته بود. به‌طور خلاصه، «فرصت از دست‌رفته» زبانی غیرمادی ولی واقعی است که امروزه به‌عنوان یکی از مسائلی

دست‌رفته، عنصر «احتمال» در تحقق آن است. فرصت، ماهیتی احتمالی دارد و به همین دلیل، تحقق آن در آینده قطعی نیست. اگر قرار بود چنین تحقق‌یقینی تلقی شود، دیگر سخن از «فرصت» یا «بخت» به میان نمی‌آمد و آنچه از بین رفته، یک نفع قطعی یا ضرر مسلم محسوب می‌شد (جوردین، ۱۹۹۲، ۱۰۹).

به بیان دیگر، نمی‌توان با قاطعیت اظهار داشت که اگر شخص در مسابقه‌ای شرکت می‌کرد - که به واسطه‌ی تقصیر خوانده از آن محروم شده - حتماً برنده می‌شد، یا اگر بیماری به‌موقع درمان می‌شد، قطعاً بهبود می‌یافت. اما آنچه مسلم است این است که فرد از این امکان و بخت محروم شده و این محرومیت مستقیماً ناشی از خطای شخص دیگر است.

در فقه سنتی، قاعده کلی «لاضرر و لا ضرار» به‌عنوان مبنای منع ضرر (حداقل به معنای منع اضرار و متقابلاً ضربه‌زدن) مطرح شده است. برخی فقها به‌صورت ضمنی به این مسئله پرداخته‌اند که آیا ضرر ویرانگر به مال یا منافع نیز شامل این قاعده می‌شود یا نه. (شهید اول، بی تا، ۱۷۹) اندیشمندان نواندیش، با اتکاء به اصول مانند تأمین مصالح (مقاصد الشریعه) و جلوگیری از مفاسد، نسبت به قابلیت مطالبه عدم‌النفع با تمسک به قاعده لاضرر نظر مثبت داشته‌اند. در عمل حقوقی نیز میان دیدگاه‌های مختلف تفاوت وجود دارد: برای مثال، در حقوق ایران به موجب ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی، خسارت ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست؛ برخلاف آن، در حقوق مصر اساساً اصل بر جبران «خسارت واقعی» است و از جمله این مصادیق است. به‌طور کلی، نظریه‌های فقهی بر این نکته اتفاق دارند که جبران ضربه از دست رفتن منفعت (در صورت احراز تقصیر مرتکب) ممکن

است از باب قاعده لاضرر و اصول عدالت برآید. در نتیجه، پژوهش‌های جدید حقوقی و فقهی با بررسی رویه‌های حقوق تطبیقی نتیجه گرفته‌اند که در بسیاری از نظام‌ها مطالبه عدم‌النفع در صورت اثبات مؤلفه‌های آن (از جمله تسبیب و موجودیت ضرر مسلم) پذیرفته شده است. (ابراهیمی، ۱۳۹۸، ۲۰) به نظر نگارنده بررسی تطبیقی حکایت از آن دارد که «فرصت از دست رفته» به‌عنوان نوعی ضرر مالی می‌تواند در چارچوب قاعده لاضرر قابل جبران باشد. از دیدگاه نویسنده، با توجه به آثار اقتصادی مهم این مفهوم و نیز ضوابط فقهی منع غبن و ضرر، باید زمینه جبران چنین خسارتی را برای زیان‌دیده فراهم کرد؛ اما قید قطعی بودن ضرر (اتفاق نظر فقها و قانون‌گذاران را می‌طلبد) حفظ گردد. به‌عبارت دیگر، از منظر عدالت و مقاصد شریعت، شایسته است «فرصت از دست رفته» تحت شرایط احراز ضرر مسلم و مباشرت طرف زیان‌زن (سببیت) قابلیت مطالبه یابد.

۲-۵. نظریه «از دست دادن فرصت» در فقه

اسلامی

در فقه اسلامی، نص یا مبحث مستقلی که صراحتاً به مقوله «تفویت فرصت» پرداخته باشد، به چشم نمی‌خورد. با این حال، فقها درباره‌ی عدم‌النفع، که مفهومی نزدیک به از دست دادن فرصت است، نظرات فراوانی ارائه داده‌اند. در این زمینه، گرچه میان فقها اختلاف نظر وجود دارد، اما برخی از آن‌ها با پذیرش جبران عدم‌النفع مسلم، به‌طور ضمنی امکان پذیرش جبران خسارت ناشی از تفویت فرصت را نیز پذیرفته‌اند (حسینی مراغه‌ای، ۱۴۱۷ق، ۳۰۸).

بر پایه‌ی این تحلیل، می‌توان گفت که در برخی موارد، خود از دست دادن فرصت، مستقل از زیان نهایی، به‌عنوان خسارتی مستقل تلقی می‌شود. در

ایشان، ضرر عبارت است از «فقدان چیزی که در حیات انسانی دارای نفع و ارزش بوده و محرومیت از آن موجب لطمه به منافع حیات انسان می‌گردد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲ق، ۴۹).

در پرتو این مباحث، می‌توان گفت که مفهوم ضرر از منظر فقهی، مفهومی عرفی است. در نتیجه، در مسأله‌ی مورد بحث یعنی از دست دادن فرصت، اگر عرف این محرومیت را ضرر تلقی کند، فقیه نیز می‌تواند آن را در دایره‌ی مصادیق ضرر وارد نماید. بررسی عرفی نیز نشان می‌دهد که چنین فرصت‌هایی - به‌ویژه فرصت‌هایی که برای تحصیل نفع یا دفع ضرر مورد استفاده قرار می‌گیرند - واجد ارزش مادی و معنوی‌اند و اشخاص حاضرند برای به‌دست آوردن آن‌ها هزینه کنند.

برای مثال، شخصی که در آزمون کنکور شرکت می‌کند، صرف برخورداری از فرصت رقابت برای او اهمیت دارد، حتی اگر احتمال قبولی‌اش ضعیف باشد. به همین ترتیب، بیماری که فرصت درمان دارد، صرف امکان درمان برای او ارزشمند است و آمادگی دارد هزینه‌های مالی و معنوی درمان را بپردازد، ولو اینکه تضمینی بر بهبودی کامل وجود نداشته باشد (کاظمی، ۱۳۸۰، ۲۱۹).

بنابراین، از دیدگاه فقهی نیز، با در نظر گرفتن تحلیل عرفی از مفهوم ضرر، می‌توان از دست دادن فرصت را نوعی ضرر فعلی و قابل جبران تلقی کرد.

۳-۵. نظریه «از دست دادن فرصت» در

حقوق ایران

با توجه به سکوت قانون در خصوص جبران خسارت ناشی از تفویض فرصت و نیز نبود رویه قضایی صریح در این زمینه، باید به جایگاه این موضوع در فقه اسلامی توجه نمود. از منظر فقهی، جبران چنین زیان‌هایی با مانعی مواجه نیست و این نوع خسارت‌ها با اصول و قواعد فقهی سازگارند.

این دیدگاه، دیگر صحبت از خسارت آینده یا منفعت از دست رفته به معنای کلاسیک آن نیست، بلکه اگر نفس از میان رفتن فرصت را ضرر بدانیم، این ضرر، ماهیتی فعلی خواهد داشت، نه احتمالی یا متوقف بر تحقق زیان در آینده.

مسأله اصلی در اینجا آن است که آیا از دیدگاه فقهی نیز می‌توان از دست دادن فرصت را به‌مثابه «ضرر» قلمداد کرد؟ در فقه، آنچه شارع وظیفه بیان آن را دارد، احکام شرعی است. اما تحقق موضوعات این احکام، که اموری ماهوی و تکوینی‌اند، از جمله تشخیص وقوع ضرر، معمولاً به عرف واگذار شده است. به تعبیر دیگر، شارع حکم می‌کند که «در صورت تحقق ضرر، جبران لازم است» یا «ضرر در شریعت نفی شده است» (قاعده لاضرر)، اما تشخیص اینکه چه چیزی مصداق ضرر است، از شئون عرف و درک عقلایی است، نه تشریح مستقیم شارع.

برای نمونه، هرچند شارع مقرر داشته که در صورت ارتکاب قتل عمدی، قصاص اجرا می‌شود، اما تحقق عنصر «عمد» - به‌عنوان یک موضوع ماهوی - باید با بررسی عرفی و شواهد خارجی مشخص گردد. لذا امور تکوینی مانند ضرر، جعل‌پذیر نیستند و ارجاع آن‌ها به عرف امری منطقی و پذیرفته‌شده است.

مرحوم نراقی در عوائد الایام به‌صراحت بیان می‌کند که تشخیص مصادیق ضرر بر عهده‌ی عرف است. وی تأکید می‌کند که کمیت ضرر در حکم شرعی تفاوتی ایجاد نمی‌کند؛ آنچه مهم است، صدق عنوان «ضرر» از منظر عرفی است (نراقی، ۱۴۰۸ق، ۲۱).

همین رویکرد نزد آیت‌الله مکارم شیرازی نیز دیده می‌شود. ایشان پس از مرور معنای لغوی واژه «ضرر»، نتیجه می‌گیرند که در صورتی که معنا نزد عرف مشخص باشد، رجوع به لغت یا حتی ادعای حجیت آن چندان محل اعتنا نیست. از دیدگاه

که آیا این ضرر، با توجه به شرایط مسئولیت مدنی، قابل جبران هست یا خیر.

همین منطبق در ماده ۵۶۵ قانون مدنی نیز مشاهده می‌شود. در این ماده، با اینکه جعاله عقدی جایز است و هر یک از طرفین می‌توانند پیش از اتمام عمل، از آن رجوع کنند، در صورت رجوع جاعل در میانه انجام عمل، او مکلف به پرداخت اجرت‌المثل برای اقدامات عامل خواهد بود. این حکم ناظر به آن است که فسخ قرارداد از سوی جاعل، فرصت عامل را برای دستیابی به منفعت از بین می‌برد و بنابراین ارزش کار از دست رفته، مبنای ارزیابی خسارت تلقی می‌شود.

با این حال، پذیرش چنین تحلیلی در همه زمینه‌ها آسان نیست. برای مثال، ممکن است گفته شود که در فرضی مثل محروم شدن اسب از شرکت در مسابقه، چون معلوم نیست حیوان در صورت شرکت برنده می‌شد، نمی‌توان از وقوع ضرر قطعی سخن گفت. اما نادیده گرفتن چنین فرصتی، با توجه به ارزش عرفی آن و شرایط مساعدی که برای موفقیت وجود داشته، خالی از بی‌عدالتی نیست. به همین صورت، ماده ۶ قانون مسئولیت مدنی نیز به نفقه‌بگیران اجازه می‌دهد در صورت از دست دادن منبع حمایت مالی خود، خسارت دریافت کنند، حال آنکه استحقاق نفقه نیز امری احتمالی است که ممکن بود با مرگ طبیعی یا تغییر وضعیت مالی خواهان منتفی شود. علی‌رغم این احتمالات، قانون‌گذار امکان مطالبه خسارت را پذیرفته است. البته، باید توجه داشت که در ماده ۶، تعهد به پرداخت نفقه هنوز فعلیت نیافته و صرفاً به عنوان موقعیتی مورد نظر قرار گرفته که شخص از آن محروم شده است. همین امر نشان می‌دهد که در حقوق ایران، به‌رغم نبود نص صریح، احتمال قوی برای وقوع نفع می‌تواند مبنایی برای مطالبه

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که پذیرش نظریه مسئولیت ناشی از تفویض فرصت در حقوق ایران، از حیث مبانی فقهی، فاقد اشکال است.

با وجود این، در قانون مدنی و سایر قوانین موضوعه، مقرره‌ای صریح که این نوع مسئولیت را تأیید کند، دیده نمی‌شود. با این حال، برخی مقررات به نحوی ضمنی پذیرای این مبنا هستند. برای نمونه، در عقد مضاربه تصریح شده که اگر مالک پیش از تحقق سود، عقد را فسخ کند و این امر منجر به از دست رفتن امکان کسب سود شود، مکلف به جبران خسارت وارد بر عامل است. در چنین فرضی، خسارت مورد نظر برابر با اجرت‌المثل اقدامات عامل خواهد بود، چرا که بر اساس طبیعت عقد مضاربه، عامل تنها در صورت تحقق سود، استحقاق سهمی از آن را خواهد داشت. بنابراین، فسخ عقد از سوی مالک موجب از بین رفتن فرصت کسب سود می‌شود. در این حالت، اگرچه تحقق سود امری احتمالی است، اما این احتمال، مبنای اصلی مسئولیت و عنصر کلیدی خسارت تلقی می‌شود. (بهاری اردکانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۲)

مخالفان این نوع مسئولیت عمدتاً به این اشکال استناد می‌کنند که عقد مضاربه از نوع عقود جایز است و مالک حق قانونی فسخ دارد. بنابراین، اعمال حق فسخ نمی‌تواند به منزله تقصیر تلقی شود و در نتیجه مسئولیتی بر عهده او قرار نمی‌گیرد. به بیان دیگر، از آنجا که عامل از آغاز آگاه بوده که مالک هر لحظه می‌تواند عقد را فسخ کند، ورود ضرر به او ناشی از پذیرش ریسک قراردادی بوده و مستوجب جبران نیست (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ص ۲۵۲؛ نجفی، ۱۳۹۴ق، ص ۳۸۹).

بر این اساس، به نظر می‌رسد اختلافی در مورد اینکه از بین رفتن فرصت تحصیل سود نوعی ضرر محسوب می‌شود وجود ندارد؛ اختلاف در این است

خسارت عدم‌النفع مسلم (یعنی منفعتی که قطعاً و به‌طور یقین از دست رفته است) قابل مطالبه است؛ اما عدم‌النفع احتمالی (یعنی فرصتی که ممکن بود تحقق یابد) قابل مطالبه نیست.

این رأی بسیار مهم است، چون مرز میان ضرر محقق و فرصت احتمالی را نشان می‌دهد. از این رأی می‌توان برای تحلیل «فرصت از دست رفته» استفاده کرد؛ یعنی اگر فرصت به درجه‌ای از قطعیت برسد، امکان مطالبه آن وجود دارد.

۲. نمونه از دادگاه‌های حقوقی (مسابقات و قراردادهای)

در یک پرونده در دادگاه عمومی حقوقی تهران (۱۳۹۲)، یک بازیکن فوتبال علیه باشگاه شکایت کرد و ادعا نمود به دلیل فسخ غیرموجه قرارداد، فرصت حضور در تیم ملی و عقد قرارداد خارجی را از دست داده است.

دادگاه استدلال کرد: چون فرصت مزبور محتمل و غیرمحقق بوده، خسارت آن قابل مطالبه نیست. این نمونه نشان می‌دهد که دادگاه‌ها معمولاً «فرصت احتمالی» را غیرقابل جبران می‌دانند، مگر این‌که بتوان قطعیت آن را اثبات کرد.

۳. نمونه از رویه اداری (دیوان عدالت اداری) در چند پرونده استخدامی و آزمون‌های ملی، شاکیان ادعا کرده‌اند که به دلیل تصمیم خلاف قانون دستگاه دولتی، فرصت استخدام یا قبولی در آزمون از دست رفته است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در برخی آرای خود (مثلاً دادنامه شماره ۴۲۱ مورخ ۴/۹/۱۳۸۶) پذیرفته که اگر تخلف اداری باعث از دست رفتن یک فرصت قطعی و مسلم شود، دستگاه باید مسئولیت جبران آن را بپذیرد.

خسارت باشد؛ گرچه تعمیم این مبنا به قاعده‌ای کلی در حوزه مسئولیت مدنی، مستلزم دقت و تأمل بیشتری است.

مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان نیز، با بهره‌گیری از برخی نظریات معتدل در حقوق فرانسه، تلاش کرده است تا دو دیدگاه افراطی و تفریطی در این حوزه را به هم نزدیک سازد. وی مواردی را برمی‌شمارد که در آن‌ها محرومیت از فرصت، ضرری مسلم تلقی می‌شود و قابلیت جبران دارد:

۱. هنگامی که عرف برای یک موقعیت احتمالاً سودآور (مانند بلیت قرعه‌کشی) ارزش قائل است، از بین بردن این موقعیت، نوعی زیان واقعی محسوب می‌شود که باید جبران گردد.

۲. در مواردی مانند شرکت در آزمون ورودی دانشگاه، محرومیت از فرصت ممکن است به خسارات معنوی جدی منجر شود که حتی فارغ از شانس موفقیت، مستحق جبران خواهد بود.

۳. در زمینه مسئولیت پزشکی، چنانچه بیمار از فرصت زنده ماندن یا درمان محروم گردد، خطای پزشک به عنوان عاملی تلقی می‌شود که خطر مستقیمی ایجاد کرده و نهایتاً به ضرر منجر شده است. بنابراین اگر آن ضرر محقق شود، می‌توان رابطه‌ی علیت میان تقصیر و زیان را اثبات کرد. کاتوزیان برای پذیرش این مبنا، پیشنهاد می‌کند به جای اصطلاح انتقادی «بخت از دست رفته»، از تعبیر «ایجاد خطر ناروا و تحقق‌یافته» استفاده شود، که با قواعد سنتی مسئولیت مدنی سازگارتر بوده و به زیان‌دیده امکان مطالبه کامل خسارت را می‌دهد (کاتوزیان، ۱۴۰۲، ۲۸۲).

به منظور تبیین و تحلیل موضوع می‌توان به مثال‌های ذیل اشاره نمود:

۱. رأی وحدت رویه شماره ۶۵۳ مورخ ۱۵/۹/۱۳۷۹ دیوان عالی کشور در این رأی اعلام می‌کند که:

این نشان می‌دهد که در حوزه استخدام و حقوق اداری، «فرصت قطعی» بیشتر مورد پذیرش رویه قضایی قرار گرفته است.

۴-۵. تحلیل قاعده «لاضرر» و شرایط تحقق آن

قاعده «لاضرر و لا ضرار» از مشهورترین قواعد فقهی است که خواستار نفی حکم زیان‌آور در شرع می‌باشد. این قاعده بر پایه روایتی از پیامبر (ص) بنا شده است و در متون اصولی و فقهی به‌عنوان یکی از مبانی حفظ مصالح و منع مفساد تبیین شده است. فقها متفق‌القول هستند که قاعده لاضرر «احکام وضعی اعم از تکلیفی و وضعی» را در بر می‌گیرد و اصل بر منع هرگونه ضرر مشروع بر افراد است. از این رو، اعمال انسان باید با رعایت اصل «رفع ضرر بنفسه و غیره» همراه باشد و امکان ضربه‌زدن متقابل نیز نفی می‌شود. (هاشمی، ۱۴۰۳، ۳۴۱)

شرایط تحقق قاعده لاضرر شامل مواردی است که ضرر وارد شده «محقق و مسلم» باشد (غیر احمقانه و نادقیق نباشد)، «شدید» یا ممنوع (به حدی که نیاز به جلوگیری داشته باشد) و «مباشر» بوده باشد. از دید فقه اسلامی، ضمان تصرفاتی که بر مال غیر منجر به ضرر واقع شوند یا حتی بر فرصت کسب منفعت اثر بگذارند، محتمل است در این چارچوب تحلیل شود. به‌ویژه، فقها تأکید می‌کنند که قراردادهای و معاملات نباید با غرر و ابهام همراه باشند؛ همین جهت در رویه قضایی سعودی نیز آمده که «طلب خسارت از دست رفته مشروط به یقین آن است» و ادعای منفعت گمشده‌ای که دقیقاً قابل اثبات نباشد، مردود دانسته شده است. همچنین در فقه اصول، گفته شده «قاعده لاضرر» نه رخصت است و نه ضروری، بلکه یک قاعده از

احکام اولی محسوب می‌شود که حذف احکام زیان‌آور را می‌طلبد. (جعفری و مهدوی ۱۳۹۴، ۲۳)

در باب «مفهوم ضرر»، برخی اصولیان آن را متضمن هر نقصان در اموال، نفس، یا حیثیت دانسته‌اند. از این منظر، «فرصت از دست رفته» را می‌توان نوعی ضرر مالی-اقتصادی به حساب آورد؛ زیرا زیان‌دیده را از منافع مادی قابل پیش‌بینی محروم می‌کند. با این حال، چون این ضرر لزوماً متوجه مال موجود نیست، بلکه بهبود وضع می‌توانست حاصل شود، برخی حقوقدانان و فقها آن را با عنوان «اتلاف فرصت» تحلیل می‌کنند. (کاتوزیان، ۱۳۹۷، ۱۴۵؛ املی، ۱۴۰۳: ۲۱۷) به عبارت دیگر، برخی مستندات فقهی نظیر قاعده اتلاف و تسبیب نیز در اینجا مورد اشاره قرار می‌گیرد. چنانچه در مطالعه تطبیقی آمده، خسارت عدم‌النفع تحت عنوان اتلاف مورد بررسی قرار گرفته و در صورت تحقق تقصیر، بدون تردید قابل مطالبه دانسته شده است. از نظر اصولی، گرچه میان «ضرر شخصی» (ضرر مسلم فرد معین) و «ضرر نوعی» (ضرری که شامل عموم می‌شود) تمایز قائل می‌شوند، در عمل «فرصت از دست رفته» معمولاً مصداق ضرر شخصی فرد زیان‌دیده خواهد بود؛ زیرا صرفاً وی را از کسب منفعت بالقوه محروم می‌کند. همچنین با توجه به قاعده «وجوب دفع ضرر محتمل»، می‌توان گفت در مواردی که تحقق منافع آینده قطعی نیست، امکان پیش‌بینی و اجتناب وجود دارد، ولی ضمان صرفاً در صورت تحقق «ضرر مسلم» نشأت می‌گیرد. (وايزاوی، ۱۴۰۳، ۳۳۴)

در زمینه «نظریه حق‌مداری و مقاصد شریعت»، اصل قاعده لاضرر بازتاب حفظ حقوق مالی و مشروع افراد است و به نظریه حقوق طبیعی نزدیک است. همچنین این قاعده یکی از ابزارهای اساسی

می‌آید و بنابراین مشمول ضمان عرفی و شرعی است. به بیان دیگر، مشابهت مضمونی بین تلف اموال و فوت فرصت باعث شده جبران عدم‌المنفع در قالب قاعده اتلاف توجیه شود. اما چون تلف معادل از بین رفتن مال موجود است، قانون‌گذاران مبتنی بر لاضرر، برای جبران فرصت از دست رفته دو روش «روش هزینه» و «روش اماره» در نظر گرفته‌اند تا زیان‌دیده وضعیتی نزدیک به حالتی یابد که اگر فرصت محقق می‌شد. (محمدی و حسینی، ۱۴۰۰، ۸۹)

به نظر نگارنده در مجموع، درس فقهی این فصل این است که هرچند «فرصت از دست رفته» ماهیتاً با اتلاف یکسان نیست، ولی آثار آن از حیث از بین رفتن منفعت نزد زیان‌دیده قابل مقایسه است. در نتیجه، فقها و حقوقدانان با استناد به قاعده «رفع ضرر» معتقدند در صورت احراز تقصیر، مسئول قهری باید جبران مناسبی معادل منافع از دست رفته پرداخت نماید. این در واقع بسط مفهوم «اضرار غیرمستقیم» است که می‌تواند شمول قاعده لاضرر را نشان دهد.

۶-۵. تطبیق با نظام‌های حقوقی اسلامی و فقه مذاهب

در نظام‌های مختلف اسلامی، رویه و قواعد متفاوتی درباره مطالبه عدم‌المنفع مشاهده می‌شود. در حقوق مصر (که متأثر از مکتب حقوق روم-ایتالیایی و شریعت مالکی است)، قانون مدنی صراحت دارد که در صورت پایان یا فسخ قرارداد، طلب‌کار می‌تواند خسارت واقعی و منافع از دست‌رفته را مطالبه کند. برای مثال ماده ۶۶۳ قانون مدنی مصر متعهد را ملزم می‌کند برای بخش‌کردن تعهد، علاوه بر جبران هزینه‌های انجام‌شده، «سود الناسیه‌ای را که مقاطعه‌کننده می‌بایست در حالت انجام کامل کسب می‌کرده» پرداخت نماید. همچنین در فقه

حفظ مصلحت (مقاصد الشریعه) است؛ چرا که جلوه جلوگیری از مفساد و تأمین مصالح اقتصادی عموم می‌باشد. به این معنا که شریعت با منع ایجاد ضرر، حیات اقتصادی افراد و جامعه را تضمین کرده است. از نظر نویسنده، فقدان فرصت کسب منفعت چه در سطح فردی و چه اجتماعی بر کارایی اقتصادی تأثیر منفی داشته و تعادل بین منافع طرفین را بر هم می‌زند. لذا از منظر فقه‌المقاصد، حمایت از این حق مالی (با احراز ضرر مسلم) در جهت حفظ مصالح اقتصادی و اجتماعی خواهد بود. (ذاکری، ۱۳۹۸، ۵۶)

به نظر نگارنده قاعده لاضرر، هم‌تراز با مقاصد عالیه شریعت، هرگونه ضرر مشروع را منع کرده و ضمن حفظ حقوق فردی و جمعی، اسباب توازن منافع را فراهم می‌آورد. بر این اساس، «فرصت از دست رفته» به‌عنوان گونه‌ای از ضرر اقتصادی باید مصداق این قاعده دانسته شود؛ به شرطی که تحقق ضرر به‌طور مسلم اثبات گردد. به باور نگارنده، با استناد به فلسفه حکم و اهداف والای شریعت، ضرورت دارد در موارد قطعی و واضحی که فرصت‌های ارزشمند افراد هدر رفته، ضمان وارد شود و جبران گردد تا علاوه بر عدالت فردی، موجب ارتقای کارآمدی اقتصادی نیز شود.

۵-۵. مقایسه فرصت از دست رفته با اتلاف و تسبیب در فقه

در فقه اسلامی، مفهوم اتلاف (اسراف یا تبذیر در مال الغیر) به‌عنوان یکی از مصادیق ضمان طارئ (ولایت تالیه) و فقه اخباری مطرح است. از سوی دیگر، قاعده تسبیب ناظر بر مسئولیت در قبال ضرر به دیگران است. «عدم‌المنفع»، به علت آنکه خسارت مادی مستقیم ایجاد نمی‌کند، تنها ضابطه تسبیب را احراز می‌کند. برخی صاحب نظران حقوقی معتقدند خسارت عدم‌المنفع ذیل عنوان اتلاف در

می‌رسد نظام‌های حقوقی اسلامی در کنار تفاوت‌های فقهی، مسیر مشخصی در پذیرش اصولی جبران ضرر مسلم عدم‌النفع در صورت اثبات اضرار طرف مسئول یافته‌اند.

نمونه‌هایی از آراء قضایی کشورهای اسلامی موید موارد فوق است. در عربستان، مطابق مصوبه و قضاوت‌های شورای عالی افتاء خسارات «سود قطعی» را می‌توان جبران کرد، اما خسارات «احتمالی» مستثنی‌اند. طرح قانون جدید معاملات تجاری سعودی (سال ۲۰۲۴) نیز به صراحت حق مطالبه سود معین را برای زیان‌دیده مقرر داشته است. در مصر، بر اساس رویه قضایی و بندهای قانونی (مانند ماده ۶۶۳)، تعهد به پرداخت «سود قابل‌انتظار» بخشی از الزام طرف متضرر است. در عراق و لبنان نیز (قوانین مدنی متأثر از فرانسه) جبران در مواردی پذیرفته شده؛ مثلاً دیوان التظلمات عراق در مواردی زیان کسب‌نشده را به‌خاطر تضييع فرصت توسط دولت قابل مطالبه دانسته است. درکل، گرچه اختلافات وجود دارد، اما در عمل همه نظام‌های مورد بررسی تا حدودی راه‌های محاسبه و جبران خسارت فرصت را گشوده‌اند.

به نظر نگارنده مقایسه تطبیقی نشان می‌دهد که با وجود ملاحظات فقهی مثل احتراز از غرر و جهل، فقها و محاکم کشورها هموارا به جبران «سود قطعی» ناشی از دست رفتن فرصت رأی داده‌اند. از این رو، برداشت نگارنده این است که در نظام‌های اسلامی نیز می‌توان با تأکید بر عنصر قطعیت ضرر و ارتباط مستقیم آن با تخلف، سیاست قضایی منطبق بر لاضرر را گسترش داد. به‌عبارت دیگر، صرف نظر از تفاوت‌های فقهی بین مذاهب و مدرولیت‌های مختلف، حفظ انصاف و کارایی

مالکی و شافعی، نظریه مشهور بر جبران «ضرر مسلم» است و پرداخت منافع امیدی به همین شرط مجاز دانسته می‌شود.

در حقوق عربستان سعودی (مکتب حنبلی)، گرچه سنتاً دادگاه‌ها به‌خاطر اصل قاعده لاضرر و نگرانی از غرر و احتمال (عدم قطعیت)، ادعای سود آینده را مشروط به اثبات «ضرر مسلم» کرده‌اند، اما در عمل موارد متعددی مشاهده شده که در صورت تحقق ضرر قطعی، خسارت مطالبه شده پرداخت شده است. به‌عنوان نمونه، دیوان دیوان عدل حکمی صادر کرده که کارگزاری را ملزم به جبران «سود معینی» ناشی از نقض قرارداد از سوی توزیع‌کننده دانسته است. به همین ترتیب، صاحبان فروشگاه‌ها که به‌خاطر تخلف اداری امکان فروش یافته‌های قبلی را از دست داده بودند، توانسته‌اند سود از دست رفته خود را با ارائه مستندات لازم از حساب و کارشناسان دادگاه دریافت کنند. با این حال، خسارت «فرصت» فروش آتی محتمل در مورد نویسنده‌ای که تعدادی نسخه چاپ‌شده کتاب وی غیرقانونی ضبط شد، پذیرفته نشد؛ دادگاه تنها هزینه تولید را جبران کرد و سود احتمالی ناشی از فروش نسخه‌های بعدی را به‌دلیل ابهام رد نمود.

در فقه امامیه (مکتب شیعه)، به‌تازگی صاحب نظران با اتکا به قاعده لاضرر و اصول استدلالی، پشتیبانی از مطالبه عدم‌النفع را مطرح کرده‌اند. اگرچه رسالات فقهی کلاسیک اشاره مستقیمی به این موضوع ندارند، اما آیات قرآن و آموزه‌های اساسی عادلانه بودن در معاملات را (به‌ویژه قاعده «لاتدر وضرر») مستند می‌کنند. به‌طور کل، مقامات قضایی کشورهای هم‌چون ایران نیز روند قابل طرح و جبران بودن عدم‌النفع را در چارچوب تعهدات قراردادی مدنظر قرار داده‌اند. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۸، ۲۳۳) بطور کلی تطبیقی، به‌نظر

اقتصادی حکم می‌کند که در موارد واضح فوت فرصت، تعهد تبهکار برای جبران پذیرفته شود.

۷-۵. تحلیل اقتصادی

قاعده لاضرر نه تنها بر مبنای ارزش‌های اخلاقی و عدالت، بلکه بر اساس منطق اقتصادی نیز توجیه‌پذیر است. از منظر اقتصاد خرد، «هزینه فرصت» که ارزش بهره‌ای از بهترین استفاده جایگزین از منابع را نشان می‌دهد، اهمیت دارد. هرگاه کسی مانع از یک استفاده مؤثر از سرمایه یا نیروی کار شود، عدم جبران خسارت او به معنی نادیده گرفتن همین هزینه از دست رفته است. تئوری‌ها نشان می‌دهند که جبران خسارت با استفاده از مفهوم هزینه فرصت، وضعیت زیان‌دیده را به نزدیک‌ترین حالت ممکن به موقعیت سودمند فرضی می‌رساند. به همین دلیل در اقتصاد اسلامی نیز عادلانه است که متضرر را تا حد امکان از نظر درآمد آینده پشتیبانی کرد تا انگیزه مشارکت در اقتصاد و اعتماد به معاملات حفظ شود.

از سوی دیگر، عدم جبران خسارت فرصت می‌تواند به کاهش کارایی اقتصادی بینجامد. اگر زیان‌دیده نداند که خسارت شایسته‌اش دریافت می‌شود، ممکن است تلاش کمتری به خرج دهد یا نسبت به انجام تعهدات بیمناک شود؛ در واقع پاداش رفتار مجرمانه اندک و فرصت اتلاف دیگران زیاد می‌شود. برعکس، جبران خسارت صحیح، عامل بازدارنده از نقض تعهد و ارتکاب ضرر است و به بهبود تخصیص منابع کمک می‌کند. بر این اساس، قاعده لاضرر می‌تواند انگیزه‌ای برای اجتناب از خسارت‌آفرینی و افزایش بهره‌وری بازار باشد، زیرا هزینه کارایی از دست رفته و تبعات منفی ناشی از فسخ امیدها جبران می‌شود.

در حوزه اقتصاد اسلامی نیز این تحلیل‌ها مورد توجه هستند. اصل لا ضرر با هدف «پیشگیری از مفسد» و «تأمین مصالح عمومی» وضع شده است. امروزه اقتصاددانان اسلامی تأکید می‌کنند که جلوگیری از خسارت‌های اقتصادی محض (مانند فرصت از دست رفته) با ویرایش ساختارهای حاکمیتی و قراردادهای همگام است با جلوگیری از شکست بازارهای رقابتی و تضمین رفاه عموم. به عبارت دیگر، اصلاح قراردادهای و رویه قضایی به نحوی که سود واقعی از دست‌رفته را نیز دربر گیرد، در راستای تقویت امنیت حقوقی و بهره‌مندی بهینه از منابع می‌باشد. اگرچه محاسبه دقیق این نوع خسارت دشوار است، لیکن نظریه‌های اقتصادی اسلامی مجاز می‌دانند هرگاه ضرر محتمل قابل اثبات شود، جبران آن بر مبنای اصول عقلایی و قواعد فقهی لازم است.

به نظر نگارنده از دیدگاه اقتصادی، جبران خسارت «فرصت از دست رفته» نوعی بازیابی بهره‌وری و جلوگیری از اتلاف منابع است. همسو با اهداف قاعده لاضرر در پیشگیری از مفسد اقتصادی، مطالبه این خسارت مستلزم توجه به هزینه فرصت و سود و زیان‌های طرفین است. نویسنده معتقد است که پذیرش مطالبه خسارت مذکور (در صورت تحقق ضرر مسلم) نه تنها با عدالت اجتماعی منافاتی ندارد، بلکه باعث بهبود کارایی اقتصادی در روابط قراردادی نیز خواهد شد. در واقع با اعمال این اصل اقتصادی-فقهی، دستکاری فرصت‌ها توسط افراد مسئول محدود شده و به انگیزه‌های مبتنی بر انصاف بازار مشروعیت داده می‌شود.

علیت مستقیم میان رفتار زیان‌بار و از دست رفتن آن وجود داشته باشد، جبران آن را می‌پذیرند. در مقابل، فرصت‌های صرفاً احتمالی یا مبتنی بر حدس و گمان فاقد ارزش حقوقی برای جبران شناخته می‌شوند.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که «خسارت فرصت از دست رفته» در صورتی قابلیت پذیرش دارد که سه شرط اساسی در آن احراز گردد: نخست، قطعیت تحقق فرصت و تبدیل آن به نفع مسلم؛ دوم، وجود رابطه علیت مستقیم میان فعل زیان‌بار و از دست رفتن فرصت؛ و سوم، عدم تعارض با نظم عمومی و عدالت اجتماعی. در چنین حالتی، قاعده لاضرر به‌عنوان پشتوانه فقهی می‌تواند مبنای مشروع و منسجم برای پذیرش این نوع خسارت محسوب شود.

در جمع‌بندی نهایی، این پژوهش نشان می‌دهد که بازخوانی قاعده لاضرر در پرتو نیازهای امروز حقوق و اقتصاد می‌تواند به گسترش دامنه مسئولیت مدنی و ارتقای عدالت اجتماعی کمک کند. اگرچه پذیرش مطلق فرصت‌های از دست رفته به‌عنوان ضرر، ممکن است موجب بی‌ثباتی در معاملات گردد، اما محدود کردن آن به فرصت‌های مسلم و قطعی، ضمن رعایت مبانی فقهی، زمینه را برای حمایت مؤثر از زیان‌دیدگان و افزایش اعتماد در روابط حقوقی و اقتصادی فراهم می‌آورد.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

۶. نتیجه

پژوهش حاضر با تمرکز بر جایگاه «فرصت از دست رفته» در نظام‌های حقوقی اسلامی و با تکیه بر قاعده فقهی لاضرر، نشان داد که این مفهوم همچنان با چالش‌های نظری و عملی قابل توجهی روبه‌رو است. در متون فقهی و حقوقی کلاسیک، ضرر عموماً به معنای خسارت بالفعل و قطعی تفسیر شده است و به همین دلیل بسیاری از فقها و حقوق‌دانان در پذیرش فرصت‌های احتمالی یا غیرمحقق به‌عنوان ضرر، تردید داشته‌اند. با این حال، بررسی‌های انجام‌شده آشکار ساخت که قاعده لاضرر با ماهیت منع ظلم و دفع ضرر، ظرفیت آن را دارد که در پرتو عرف و نیازهای اقتصادی روز، دایره شمول خود را به فرصت‌های مسلم و قطعی نیز تسری دهد.

از منظر اقتصادی، پذیرش خسارت فرصت از دست رفته نه تنها نظم عمومی را مخدوش نمی‌سازد، بلکه موجب ارتقای عدالت معاضدی در روابط قراردادی و افزایش کارایی در بازار می‌گردد. هنگامی که افراد بدانند محروم کردن دیگری از یک فرصت قطعی می‌تواند ضمان‌آور باشد، انگیزه بیشتری برای رعایت تعهدات قراردادی خواهند داشت. بدین ترتیب، مسئولیت مدنی به ابزاری برای ایجاد توازن میان منافع فردی و مصالح جمعی بدل خواهد شد.

با وجود این، نکته اساسی در مرزبندی میان «فرصت احتمالی» و «فرصت مسلم» است. بررسی رویه قضایی ایران - به‌ویژه رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور و برخی آرای دیوان عدالت اداری - نشان داد که دادگاه‌ها تنها در مواردی که فرصت از دست رفته به‌طور قطع قابل تحقق بوده و رابطه

منابع

منابع فارسی

- آقایی، بهمن، فرهنگ حقوق بهمن، چاپ اول، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸.
- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۷، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
- ابراهیمی، علیرضا، «عدم‌النفع و فرصت از دست رفته؛ قابلیت مطالبه و تعیین میزان ضرر (مطالعه تطبیقی در حقوق مدنی افغانستان و ایران)»، دانشنامه‌های حقوقی، دوره دوم، شماره ۳، ۱۳۹۸.
- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، جلد اول (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ چهل و یکم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳.
- امیری، فاطمه، «جایگاه فرصت‌های از دست رفته در رویه قضایی ایران»، مجله حقوق خصوصی، دوره ۲۷، شماره ۳، ۱۴۰۰.
- بهاری اردکانی، ابوالفضل، هاشمی باجگانی، سیدجعفر، سلیمیان، ابوالفضل، «مسئولیت مدنی ناشی از فرصت از دست رفته»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و سوم، شماره ۸۶، ۱۳۹۵.
- بهاری اردکانی، ابوالفضل، مسئولیت مدنی ناشی از سلب موقعیت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ۱۳۹۳.
- بحرانی، شیخ یوسف، الحدائق الناظره فی احکام العترة الطاهره، ج ۲۱، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ق.
- ذاکری، اشرف‌السادات، مسئولیت مدنی ناشی از تفویض فرصت، تهران، بعثت، ۱۳۹۸.
- جعفری، جمیله، مهدوی، سیدمحمدهادی، «بررسی فقهی ضمان از دست رفتن فرصت»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۴۱، ۱۳۹۴.
- حسینی مراغه‌ای، میرعبدالفتاح، عناوین الاصول، ج ۱، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
- حوایزوی علیرضا، بذریاچ، حمید، جلالی، حسین، «بررسی خسارت اقتصادی محض در حقوق ایران، انگلستان و مصر». مطالعات فقه اقتصادی، سال ششم، شماره ۶، ۱۴۰۳.
- حق شناس، علی محمد و دیگران، فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۱.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱.
- شهید اول (محمد بن مکی)، اللمعنة الدمشقیة. قم: دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
- کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد ضمان قهری (مسئولیت مدنی) ج ۱، چاپ پنجم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۴۰۲.
- کاتوزیان، ناصر، «خسارت عدم‌النفع و فرصت‌های از دست رفته در حقوق ایران و فقه اسلامی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۹۱، شماره ۳، ۱۳۹۷.
- کاظمی، محمود، نظریه از دست رفتن فرصت در مسئولیت مدنی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال سی‌ام، شماره ۵۳، ۱۳۸۰.
- کریمی، فرهاد؛ داودی، معصومه، «تحلیل فقهی- حقوقی جبران خسارت ناشی از فرصت‌های اقتصادی از دست رفته»، فصلنامه

منابع لاتین

- Bryan A. Garner, Black's law Dictionary, 3 ed, 2004.

فقه و حقوق اسلامی معاصر، دوره ۱۴، شماره ۴، ۱۴۰۱.

- محمدی، علی‌اکبر؛ حسینی، زهرا، «بررسی فقهی و حقوقی جبران خسارت فرصت از دست رفته با تأکید بر قاعده لاضرر»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق اسلامی، دوره ۲۳، شماره ۲، ۱۴۰۰.

- موسوی بجنوردی، سید محمد، «قاعده لاضرر و کاربرد آن در مسئولیت مدنی نوین»، مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۳۲، شماره ۲، ۱۳۹۸.

- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۲، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۳.

- مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، ج ۱، چاپ سوم، قم، منشور دارالعلم، ۱۳۸۲ق.

- نفیسی، علی‌اکبر، فرهنگ نفیسی، ج ۴، انتشارات کتابفروشی خیام، ۱۳۴۳.

- نجفی، پروانه، خسارت فرصت از دست رفته و عدم‌النفع در حقوق ایران و آمریکا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه عدالت، ۱۳۹۹.

- نجفی، شیخ محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۶، قم، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۹۶ق.

- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم. چاپ سی و چهارم، تهران: میزان، ۱۴۰۳.

